

تحصیل فضل و کمال پرداخته و در رشته‌های مختلف علوم عقلی و نقلی از طبیعیات و ریاضیات تا اصول و فقه جامعیتی شگفت یافته بود و از جمله مدرّسان ذوفنون گردیده و همه روزه جمعی از طلبه علوم در مجلس افادانش حاضر می‌شدند و هنگام مباحثه حقایق بر اشراقیون و رواقیون پهلو می‌زد. اما هیچ علمی تشنگی روح حقیقت‌جوی او را فرو نمی‌نشاند تا اینکه به حضور پرفیض مشتاق‌علیشاه رسید و به وسیله او خدمت عارفان بالله نور‌علیشاه و رونق‌علیشاه رسید و حسب الامر نور‌علیشاه، رونق‌علیشاه ایشان را دستگیری نمود و تلقین ذکر داد. او مدت‌ها در خدمت مشتاق‌علیشاه سیر و سلوک نمود تا اینکه به کمالات روحانی رسید و خود اجازه ارشاد یافت. پس از شهادت مظلومانه مشتاق‌علیشاه در سال ۱۲۰۶ وی بسیار منقلب شد و اشعاری بس سوزناک به نام دیوان مشتاق سرود که مرحوم مست‌علیشاه در *ریاض‌السیاحه* (ص ۵۴۸) و صاحب‌الطرائق (ج ۳، ص ۲۰۷ به بعد) با شرح بیشتری آورده‌اند.

به هر حال محمدعلی کرمانشاهی که نسبت به اولیا الله خصوصتی دیرین داشت پس از شهادت معصوم‌علیشاه، فتح‌علیشاه را مجبور کرد تا مظفر‌علیشاه کرمانی را احضار کند. فتح‌علیشاه جز کمالات معنوی از وی ندید، اما به خاطر وزیرش ابراهیم خان اعتمادالدوله و بنا بر خواهش محمدعلی کرمانشاهی او را به کرمانشاه روانه کرد. او با محبت تمام محمود پسر آقا محمدعلی کرمانشاهی (جانی معروف) را معالجه کرد و همان موجب ارادت پسرش و جمعی دیگر شد که در نهان به دست وی به شرف ایمان مشرف شدند و بیعت و آلودی کردند. چون آقا محمدعلی کرمانشاهی به این امر آگاه شد، آن حضرت را در سال ۱۲۱۵ مسموم نمود (این است وفای اهل ظاهر و آن است محبت اهل باطن که دشمن خود را معالجه می‌کنند)!

و باز تاریخ را ورق می‌زنیم: در دوران سیاه قاجاریه به امر ناصرالدین شاه میرزاتقی خان امیر کبیر را به شهادت رساندند. این امریه به اغوای مادر ناصرالدین شاه مهدعلیا که دست‌نشانده و جاسوس انگلستان بود و توطئه آقاخان نوری صادر شد. آخوندهای درباری هر چه توانستند بر جان و مال مردم تعرض کردند، تا این که نهضت مشروطه که فریاد عدالت‌خواهان و آزاداندیشان بود فرا رسید. اما مرتجعانی که موفقیت خود را در خطر می‌دیدند به نام مشروعه محمدعلی شاه را برای به توپ بستن مجلس تشویق کردند و البته خود نیز مجازات خیانت به ملت را چشیدند.

در عصر ناصری و مشروطیت گرچه عرفا و مشایخ صوفیه از احترام خاصی

بر خوردار بودند، اما کینهٔ عالم‌نمایان قشری هیچ‌گاه پایان نمی‌یافت، و ما که نگاه بسیار کوتاه به تاریخ افکنده‌ایم و سیر شهدای اهل تصوّف را دنبال می‌کنیم لازم می‌دانیم تا امروز پیش آییم، تا جایگاه سلسلهٔ نعمت‌اللهی سلطان علیشاهی گنابادی و شهدای آن را همراه با نقش مهم آن در ساختار فرهنگی و عرفانی دوران معاصر بررسی کنیم:

همان‌طور که گفته شد، سلسلهٔ نعمت‌اللهی پیوند خود را به ائمهٔ معصومین تا امام دوازدهم (عج) می‌رساند اما چون از امام هشتم به بعد خلفای عباسی آنها را محبوس و یا شدیداً تحت نظر داشتند مشایخ آنان که حامل اسرار ولایت بودند از طرف ائمهٔ بزرگوار مجاز به دستگیری و ارشاد طالبین صادق بودند. از این‌رو اولین شیخ مجاز در زمان خود حضرت رضا (ع)، معروف کرخی، و پس از معروف سَری سقطی و سپس جنید بغدادی که تربیت شدهٔ سَری سقطی بود عهده‌دار این مسؤولیت گردید. و چون در همان زمان، غیبت حضرت مهدی (عج) آغاز شد جنید بغدادی به‌عنوان نخستین قطب ناطق پس از غیبت به هدایت باطنی خلق تعیین گردید و بدین ترتیب سلسلهٔ اقطاب حقهٔ استمرار یافت:

- ۱ - جنید بغدادی
- ۲ - ابوعلی رودباری
- ۳ - ابوعلی کاتب
- ۴ - ابوعمران مغربی
- ۵ - شیخ ابوالقاسم گورکانی
- ۶ - شیخ ابوبکر طوسی
- ۷ - شیخ احمد غزالی (که از او چند شاخه جدا شد)
- ۸ - شیخ ابوالفضل بغدادی
- ۹ - شیخ ابوالبرکات
- ۱۰ - شیخ ابومسعود اندلسی
- ۱۱ - شیخ ابو مدین
- ۱۲ - شیخ ابوالفتوح
- ۱۳ - شیخ کمال‌الدین کوفی
- ۱۴ - شیخ صالح بربری

- ۱۵ - شیخ عبدالله یافعی
- ۱۶ - شاه نعمت‌الله ولی (که تشیع خود را آشکار می‌کند زیرا زمان تقیّه گذشته بود)
- ۱۷ - شاه برهان‌الدین خلیل‌الله فرزند شاه نعمت‌الله ولی (در هند)
- ۱۸ - شاه حبیب‌الله محب‌الله اول (در هند)
- ۱۹ - میر کمال‌الدین عطیه‌الله اول (در هند)
- ۲۰ - میر شاه برهان‌الدین خلیل‌الله دوم (در هند)
- ۲۱ - میر شاه شمس‌الدین محمد اول (در هند)
- ۲۲ - میر شاه حبیب‌الله محب‌الله دوم (در هند)
- ۲۳ - میر شاه شمس‌الدین محمد دوم (در هند)
- ۲۴ - میر شاه کمال‌الدین عطیه‌الله دوم (در هند)
- ۲۵ - میر شاه شمس‌الدین محمد سوم (در هند)
- ۲۶ - شیخ محمود دکنی (در هند)
- ۲۷ - شیخ شمس‌الدین دکنی (در هند)
- ۲۸ - رضاعلیشاه دکنی (در هند) که شیخ‌المشایخ اول خود، سید معصوم‌علیشاه، را به ایران فرستاد و او نورعلیشاه را کشف کرد و وی را شیخ‌المشایخ قرار داد
- ۲۹ - حسین‌علیشاه اصفهانی
- ۳۰ - مجدوب‌علیشاه همدانی (بعد از او شاخه فرعی کوثرعلیشاهی نیز جدا شد)
- ۳۱ - مست‌علیشاه
- ۳۲ - رحمت‌علیشاه شیرازی (بعد از او شاخه فرعی صفی‌علیشاهی و منورعلیشاهی نیز جدا شد)
- ۳۳ - سعادت‌علیشاه اصفهانی
- ۳۴ - سلطان‌علیشاه گنابادی که نابغه علم و عرفان و از علما و عرفای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری قمری است.

حاج سلطان محمد گنابادی (سلطان علیشاه)

شور و شوق طالبان علم و عرفان و اندیشه‌های نو جهانی که سال‌ها پس از گشایش دارالفنون و ارتباط نسبی ایرانیان با مراکز فرهنگی هندوستان و عثمانی و فرنگ پدید آمده بود از آغاز این قرن گسترش بیشتری یافت. به‌علاوه حوزه‌های درسی حکمت و عرفان در تهران و اصفهان و شیراز و مشهد و قم و سبزوار رونق تازه‌ای گرفت و بزرگانی چون میرزای شیرازی، سید محمدحسین شهرستانی، ملا محمدکاظم خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، میرزا ابوالحسن جلوه، سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی، حاج آقا محمد معروف به منورعلیشاه، حاج میرزا حسن صفی‌علیشاه، حاج محمد کریم خان کرمانی مشهور به سرکار آقا، میرزا محمدحسین اصم عشقی ذهبی و غیره در عرصه حکمت و عرفان درخشیدند. گرچه حاج ملاهادی سبزواری در سال ۱۲۸۹ هجری بدرود حیات گفته بود، اما شاگردان آن جناب که هر یک در حکمت و عرفان سرآمد اقران بودند در هرسو بساط علم و حکمت گسترده‌ای که از آن میان شخصیتی ظهور کرد که بعدها به نابغه علم و عرفان در قرن چهاردهم معروف شد و او سلطان‌العرفا حاج سلطان محمد گنابادی (سلطان علیشاه گنابادی) فرزند ملاحیدر محمد است که در بیدخت گناباد به سال ۱۲۵۱ متولد شد. پدر ایشان خدمت نورعلیشاه اول به فقر مشرف شده بود که در سال ۱۲۵۴ به قصد تجدید بیعت خدمت حسین‌علیشاه از طریق هندوستان حرکت کرد و دیگر باز نگشت. سلطان محمد به‌علت عدم بضاعت نتوانست مدرسه برود و از کودکی به چوپانی گوسفندان برادرش پرداخت. حدود ۱۷ ساله بود که به‌علت شوق به درس و علم به مدرسه رفت و در علوم ظاهری فقه، اصول، منطق، کلام و حکمت را آموخت و سرآمد اقران شد و سپس با اصرار از مادرش خواست که او را به مدارس مشهد بفرستد. او به مشهد به مدرسه میرزا جعفر رفت و پس از تکمیل تحصیلات به سبزوار خدمت حاج ملاهادی سبزواری رفت و به تحصیل حکمت پرداخت.

در همان اثناء حاج محمدکاظم سعادت علیشاه اصفهانی که جانشین

رحمت‌علیشاه شیرازی بود^۱ به سبزوار وارد شد. حاج ملاهادی تعدادی از شاگردانش را به خدمت ایشان فرستاد که از آن میان ملا سلطان محمد گنابادی بود که پس از سؤال و جواب، جاذبه روحانی آن عارف بالله (با وجود کمی علوم اکتسابی) وی را آشفته ساخت و به طلب آن جناب به مشهد رفت و عرض طلب نمود. اما چون مادرش کسی را فرستاده بود تا او را به گناباد برد، حضرت سعادت‌علیشاه فرمود: اطاعت مادر واجب است، به گناباد برو، بعداً یکدیگر را خواهیم دید. وی به گناباد رفت و طبق دستور مادر ازدواج کرد. سپس در سال ۱۲۸۰ هـ. ق. عازم اصفهان شد و با نیاز فراوان به دست حضرت سعادت‌علیشاه به فقر مشرف شد و مدارج کمال را به سرعت پیمود که بنا به فرموده خود سعادت‌علیشاه: «این خراسانی راهی را که فقیر راه در شصت سال طی می‌کند، در سه شب طی کرد».

وی پس از تشرّف به بیدخت گناباد برگشت تا اینکه در سال ۱۲۸۴ به عزم زیارت عتبات رهسپار شد و در اصفهان خدمت پیر بزرگوار خود رسید و چون به کمال لازم برای ارشاد رسیده بود از طرف پیر فرمان جانشینی دریافت کرد و به سلطان‌علیشاه ملقب گردید و به امر پیر بزرگوار به گناباد برگشت و به ارشاد خلق پرداخت. وجود او گنجینه‌ای از حکمت، عرفان، فقه و دیگر علوم الهی بود، لذا مرجع خاص و عام گردید. اقبال بسیار مردم موجب حسادت و عناد عالم‌نمایان انحصارگر گردید که نمی‌توانند هیچ کس را برتر از خود بدانند و علیه ایشان هرچه توانستند تهمت و افترا گفتند، تا آنجا که وقتی در سال ۱۳۰۸ هـ. ق. به زیارت مشهد مقدّس مشرف شد در آن سفر به دست یکی از ملانمایان بی‌دین به وسیله نان فاق مسموم شد به طوری که همراهان نگران رحلت ایشان بودند. فرمود: «مطمئن باشید این عارضه بر طرف می‌شود» و چنین شد. وی به بیدخت گناباد برگشت و چون سابق به کشاورزی و تدریس و تألیف کتاب‌های حواشی بر اسفار، سعادت‌نامه، مجمع‌السعادات، ولایت‌نامه، و تفسیر بیان‌السعاده پرداخت. کتاب تفسیر ایشان به سلطان‌التفاسیر معروف است. در تاریخ تشیع هنوز تفسیری به این جامعیت (در بررسی لغوی، اخبار و لائی، حکمت متعالیه، عرفان و تصوّف) نوشته نشده است.

۱- نابعه‌ی علم و عرفان، سلطان حسین تاینده (رضاعلیشاه)؛ رهبران طریقت و عرفان، محمدباقر سلطانی؛ خورشید تاینده، حاج علی تاینده (محبوب‌علیشاه).

به هر حال، با وجودی که بیدخت دهی دور افتاده بود، اما صیت شهرت آن جناب طوری شده بود که همه طالبان حکمت و عرفان و مشتاقان سیر و سلوک باطنی بدان سو می‌رفتند و از کمالات علمی و عرفانی و اخلاق حسنه و حتی طبابت آن جناب بهره‌مند می‌شدند. همه این کمالات موجب افزونی حسد مخالفان می‌شد.

دشمن طاووس آمد پیر او

ای‌بسی شه را بکشته فر او^۱

تا اینکه به تحریک عالم‌نمایان و عده‌ای از دشمنان خارجی و حسودان محلی چند نفر از خدا بی‌خبر که بعضی از آنها حتی نان‌خور آن جناب بودند در سحرگاه شبیه بیست و ششم ربیع‌الاول سال ۱۳۲۷، هنگامی که در باغچه وصل به منزل مشغول وضو گرفتن بود، به حضرتش حمله‌ور شده، با پنجه‌های گنهکار آن قدر گلوی مبارکش را که مشغول ذکر خدا بود فشردند که به فیض شهادت نائل آمد. در آن هنگام ۷۶ سال داشت که ۴۳ سال آن بر اریکه ارشاد متمکن بود و هزاران انسان تربیت کرده بود که هریک از آنان از گوهرهای درخشان تصوف و عرفان و حکمت شده بودند.

علی بن سلطان محمد گنابادی (نورعلیشاه دوم)

گرچه سلطان‌علیشاه را شهید کردند، اما خداوند می‌فرماید:

«می‌خواهند نور الهی را با دهان (سخنان) خویش خاموش کنند و خداوند جز این نمی‌خواهد که نور خویش را کمال بخشد ولو کافران را ناخوش آید».^۲

این بود که جانشین سلطان‌علیشاه، نورعلیشاه دوم، پس از پدر فضای ظلمانی را به نور خود منور ساخت.

چنانکه در کتاب نابغه علم و عرفان و رهبران طریقت و عرفان و خورشید تابنده آمده است:

۱- مثنوی، دفتر اول، ب ۲۰۹.

۲- سوره توبه، آیه ۳۳.

علی بن سلطان محمد گنابادی که بعدها به نورعلیشاه دوم ملقب گردید در ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۲۸۴ در بیدخت متولد شد. وی پس از اخذ علوم از محضر پدر بزرگوارش و پس از اخذ ذکر، بعد از بلوغ برای سیر و تحقیق و تتبع به نقاط دیگر سفر کرد. از ترکستان، کشمیر، افغانستان، حجاز، یمن، مصر، شامات و بلاد عثمانی دیدن کرد و همه جا با بزرگان مذاهب مختلف مصاحبت و مباحثه نمود. سرانجام به عتبات عالیات خدمت علمای بزرگ آن زمان رفته، در علوم مختلف دینی به کمال رسید. و بالاخره در سال ۱۳۰۷ به بیدخت بازگشت و ازدواج نمود و طبق دستور پدر ریاضت‌ها کشید تا اینکه در سال ۱۳۱۴ هـ. ق. مجاز به ارشاد گردید. او پس از شهادت پدر بزرگوارش در سال ۱۳۲۷ هـ. ق. به عنوان قطب سی و پنجم جانشین پدر گردید.

اما از همان آغاز به تحریک عالم‌نمایان و افراد مغرض و حسود، سالارخان جانی و راهزن بلوچ به گناباد حمله کرده خانه ایشان را غارت کرد و خود او را نخست در جویمند زندانی کرد و پس از اخذ مالی وی را از راه جنگل به سوی مشهد برد که با سعی فقرا و علاقه‌مندان به ایشان هرطور بود نجات یافت و به بیدخت بازگشت و به هدایت و ارشاد مردم و تألیف کتاب پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۳۲ که جنگ جهانی اول شروع شده بود ساخلوی روس وی را به اتهام همراهی با آلمان متهم کرد و در سال ۱۳۳۳ قزاقان روسی به منزلش ریختند و او را با زور به سوی تربت حیدریه بردند. وی در آنجا از اتهامات تبرئه شد و دوباره به بیدخت بازگشت. دشمنان باز در پی آزار برآمدند و ایشان مجبور شد در سال ۱۳۳۶ گناباد را به قصد تهران ترک کند. پس از چندی بنا به دعوت فقرای اراک بدانجا و سپس بنا به دعوت فقرای کاشان به کاشان رفت. اما آنجا نیز از شر اشرار در امان نماند و او را مسموم کردند. آن جناب با همان حال مسمومیت از کاشان خارج شد و به سوی تهران حرکت کرد. در کهریزک جنایت ظالمان اثر خود را بخشید و آن حضرت در پانزدهم ربیع‌الاول ۱۳۳۷ دعوت حق را لبیک گفت و در مقبره سراج‌الملک در بارگاه حضرت عبدالعظیم حسنی مدفون گردید و بدین وسیله شهیدی بر شهیدان صوفیه افزوده شد.

حاج شیخ محمد حسن (صالح‌علیشاه)

پس از رحلت جناب نورعلیشاه دوم، فرزندشان جناب صالح‌علیشاه بانص صریح قطب سی و ششم سلسله گردید. وی که در هشتم ذی‌حجه ۱۳۰۸ متولد شده بود، ۲۹ ساله بود که تمام وظایف و مسؤولیت پدر را برعهده گرفت. ایشان تمام عمر در بیدخت به کشاورزی، عمران و آبادی، ارشاد و هدایت و دستگیری فقرا پرداخت و عرفای چندی تربیت کرد که همگی از مشاهیر علم و عرفان و ادب بودند. رساله شریفه پند صالح که دریایی از حقیقت و دارای تمام دستورات مهم دینی، اخلاقی و اجتماعی برای سالکین الی‌الله است از آثار ارزنده آن بزرگوار است. آن حضرت در نهم ربیع‌الثانی ۱۳۸۶ قمری مطابق با ششم مرداد ۱۳۴۵ شمسی دعوت حق را اجابت کرد. او در بیدخت گناباد در مزار سلطانی مدفون گردید.

حاج سلطانحسین تابنده (رضاعلیشاه)

پس از رحلت جناب صالح‌علیشاه فرزند ارشد ایشان جناب سلطانحسین تابنده ملقب به رضاعلیشاه که در ۲۵ آبان ۱۲۹۳ شمسی متولد شده بودند و آن وقت ۵۲ سال داشتند بر مسند قطبیت قرار گرفتند و به ارشاد خلق کمر بستند. آن جناب که غیر از اجتهاد، دروس جدید را هم در دانشگاه خوانده بودند مریدان را با دو فرهنگ اسلامی و جهانی آشنا ساختند و با تألیف ده‌ها کتاب و رساله درهای تازه‌ای از حکمت و عرفان بر روی آنها گشودند. در جریان انقلاب اسلامی، با وجود آنکه مرحوم آیت‌الله خمینی صدق‌گفتار و کردار ایشان و سایر فقرا را دریافته و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در کتاب‌ها و سخنرانی‌ها از موضع صوفیان حقه دفاع نموده بودند، اما به هر حال مغرضان آزار فراوان روا داشتند تا آنجا که ایشان مجبور شدند به تهران هجرت کنند و سرانجام در تهران در سحرگاه روز هجدهم شهریور ۱۳۷۱ (دهم ربیع‌الاول ۱۴۱۳) رحلت فرمود در حالی که آثار بسیاری از ایشان برجا مانده و هزاران سالک راه حق را تربیت فرموده بود. قالب عنصری آن حضرت را با تجلیل تمام به بیدخت بردند و در مزار سلطانی در کنار پدر و جد به خاک سپردند.

حاج علی تابنده (محبوب‌علیشاه)

فرزند ارشد جناب رضاعلیشاه به نام علی در سال ۱۳۲۴ شمسی متولد و پس از تحصیلات عالی دانشگاهی و طی مراحل مختلف سیر و سلوک طبق نص صریح^۱ بعد از پدر بر مسند ارشاد نشست. حاج علی تابنده (محبوب‌علیشاه) سراپا عشق و شور و حال و جذبه بود، به طوری که از تمام حرکات و سکنات و گفته‌های ایشان آن شور عشق مشاهده می‌شد. دوران حیات معنوی ایشان از سال ۱۳۷۱ (بعد از وفات امام خمینی) مصادف بود با تیره‌ترین ادوار تاریخ معاصر که ملانمایان متظاهر و مخالفان تصوف و عرفان دوباره جان گرفتند و به همراهی سازمان اطلاعات به آزار حضرت محبوب‌علیشاه پرداختند و بارها ایشان را مورد شکنجه قرار دادند تا از مقام روحانی خود استعفا دهند و با رژیم سرکوبگر همراهی کنند. اما ایشان نمی‌توانستند از زیر بار مسؤولیت الهی خود شانه خالی کنند. آنان از اقبال بسیار جوانان به حضرتشان و ورود بسیاری به جرگه فقر حسد می‌بردند و این حسد همراه با جسارت دیرین ملانمایان دشمنی را افزون می‌کرد. تا اینکه طبق همان نقشه قتل‌های زنجیره‌ای که از پلیدترین جنایات بشری محسوب می‌شود آن حضرت را در ششم ماه مبارک رمضان ۱۴۱۸ مطابق با سال ۱۳۷۵ شمسی زهر خوراندند و به شهادت رساندند.^۲

فقرا جسد مبارک او را طبق وصیت در بیدخت گناباد در مزار سلطانی به خاک سپردند، رحمة الله علیه، رحمةً واسعةً.

۱- خورشید تابنده، ص ۹۱۵ و.... چاپ دوم، انتشارات حقیقت، ۱۳۷۷.

۲- برای تأیید صحت این مطلب به اطلاعیه تحت عنوان: «دستورات وزارت اطلاعات به وزارت آموزش و پرورش...» در صفحات ۲۳۰ و ۲۳۱ مراجعه فرمایید.

ملاقاتی دیگر با آقای سیداحمد شریعت

چند هفته بعد آقای سیداحمد شریعت و خانم ن را ملاقات کردم. خانم ن گفت: تاریخ شهیدان راه عشق را نیز خواندم اما پیام‌های تصوّف و عرفان فراسوی دین و مذهب و ملیّت است، به وحدت انسان و هستی و خدا منوط می‌شود و بر مبنای مکاشفات درونی، اشراق، الهام و شهود است. شما این معنا را در تشیّع محدود کرده‌اید. طبق مذهب تشیّع فرد باید تولا و تبراً داشته باشد. البته تولا خوب است چون حسن رابطه انسان با اولیای خدا و دیگران است و انگیزه سیر و سلوک می‌باشد. اما تبراً جنبه منفی دارد، بین انسان‌ها دیوار می‌کشد، مسلمان و اهل کتاب و مؤمن و کافر تعیین می‌کند، و آن برای رشد روحانیت انسان و جوامع بشری مضر است. چگونه در زمینی که خار می‌روید، می‌توان گل کاشت؟

آقای شریعت: درست است که تصوّف باطن دین است، اما نه تشیّع سیاسی منتقم و سیاسی که به صورت یک حزب اقلیت در برابر اکثریت باشد، بلکه جوهره تشیّع عبارت است از محوریت انسان کامل که ولی الله و قطب زمان است همراه با سه اصل عقلانیت، عرفانیات و عدالت خواهی که شالوده تفکر شیعه را تشکیل می‌دهند. و گرنه دستور برای چگونگی غسل و وضو و آداب طهارت موضوع فقه است و محققان آن‌ها فقها هستند که با استدلال عقلانی و عرفان و عدل چندان کاری ندارند. اما چون اکثر مردم عامی و اهل ظاهرند دیدگاه فقها مناسب حالشان است، نه دیدگاه عقلانی حکما و دیدگاه کشف و شهودی عرفا، لذا فقها مرجع عوام‌اند و عوام از فقها تقلید می‌کنند.

گفتم: مگر همین فقهای ظاهرگرا هم مصداق حدیث: خودنگهدار، حافظ دین، مطیع امر مولا و مخالف هوی و هوس نباید باشند؟

آقای شریعت: خوب بعضی از آنان این گونه‌اند، نمونه‌اش میرزای شیرازی، شیخ انصاری، آیت الله بروجرودی و آیت الله سیستانی است.

خانم ن: چگونه می‌توان در جهان کنونی دین، مذهب، فقاہت سنتی، مسلک تصوّف، نواندیشی، فلسفه، مکاتب اجتماعی، سیاسی و علمی را با هم آشتی داد؟

آقای شریعت: اینها همه مربوط به عالم کثرت است. صوفی حقیقی در وحدت کلیه به سر می‌برد و در معانی و حقایق کلی محو است.

در معانی قسمت و اعداد نیست

در معانی تجزیه و افراد نیست

خانم ن: انسان از نگرش به کثرت بی‌نیاز نیست. واقعیت این است که ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که هزاران باید و نباید دارد، به هر سو که رو کنی مورد انتقاد قرار می‌گیری، خودت هم با خودت تضاد پیدا می‌کنی.

آقای شریعت: مولانا می‌گوید:

منبسط بودیم و یک جوهر همه

بی‌سر و بی‌پا بدیم آن سر همه!

چون به صورت آمد آن نور سره

شد عدد چون سایه‌های کنگره

کنگره ویران کنید از منجنیق

تا رود فرق از میان این فریق^۲

خانم ن: چگونه می‌شود آموخته‌های تفرقه‌افکن، حبّ و بغض‌های دیرین، غرض‌ورزی‌ها، تعصب‌ها، دیگر تبلیغات و افتراهای نهادینه شده تاریخی را از بین برد؟

آقای شریعت: مکتب تصوّف برای همین منظور است تا با شکستن بت‌های درونی و دریافت حقایق روحانی چشم دل گشوده شود. دل‌ها صاف و صیقلی گردد تا نزاع‌های برآمده از خیالات کودکی، جهل به مطلب و خودباختگی از بین برود.

خانم ن: کاری است مشکل. شما می‌گویید تصوّف باطن تشیع و بلکه باطن‌نگری همه دین‌هاست و می‌گویید هر دین یا مذهب پوسته و ظرف و یا علامت شناسایی مجموعه‌ای اندیشه‌های درونی آن است. پس ما نخست باید دین اسلام و سپس مذهب شیعه را درست بشناسیم تا بعد به باطن و حقیقت و جوهره آن پی ببریم. درحالی که همه ما مسلمان و شیعه، زاده شده‌ایم، خود اسلام را برنگزیده‌ایم و نه شیعه را، تا چه رسد به تصوّف که به پرورش جوهر فردی می‌پردازد.

۱- مثنوی، دفتر اول، ب ۶۹۰.

۲- همان، ب ۶۹۳ و ۶۹۲.

آقای شریعت: کار نشد ندارد، شما می‌توانید با خواندن کتاب‌هایی در اسلام‌شناسی و سپس شیعه‌شناسی ذهن و فکرت را برای ورود به دانشگاه عرفان و تصوّف آماده کنی به شرطی که پیش از مطالعه هیچ پیش‌داوری و حبّ و بغضی نداشته باشی و همه آنان را برای خدا بخوانی تا خدا در تو نور و فرقان قرار دهد. وقتی به آن درجه از آگاهی اولیه رسیدی به نزد بزرگ وقت که پیر طریقت و قطب زمان است می‌روی و اگر قابلیت داشتی و شور طلب در جانت بود، دستت را می‌گیرد و تو را به شجره طوبای ولایت متصل می‌گرداند که با چنگ زدن به آن ریسمان الهی و رعایت اعمال شریعت و طریقت بتوانی خود را چون درخت بالا ببری و از مرکز نور نور گیری و خود را بسازی.

خانم ن: با وجودی که من مسلمان و شیعه هستم اما نه خود را می‌شناسم و نه دین و مذهبم را. نه خدا را مشاهده کرده‌ام، نه پیامبران و نه اولیای خدا را ولی دائماً به زبان می‌گویم: اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلَهَ اِلَّا اللهُ، اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ. گاه هم به حرف‌های خودم می‌خندم، که این دیگر چه شهادت‌دادنی است که ندیده و نشناخته شهادت می‌دهی؟

آقای شریعت: شهود خدا و پیامبر و اولیای خدا پس از سیر و سلوک باطنی و نتیجه تجربه روحانی است. نخست تنها اعتقادی است که بعضی را عقل پذیر است و بعضی هم تعبّدی است که به صورت نماد سنّتی تاریخی درآمده است. مردم آن آداب و سنن را دین نامیده و بعضی هم بدان مغرور شده‌اند و همان حجاب دین‌خواهی آنان شده است و اجازه نمی‌دهند تا مردم خود به تجربه دینی و درک آن پردازند و خود حقایق را که در نهانخانه جان است، کشف کنند. البته علت اصلی آن است که خود بدان دانشگاه راه نیافته‌اند. اگر توفیق یافته بودند مانند بعضی علمای دینی در برابر حقیقت خاضع می‌شدند و به کتاب و درس مغرور نمی‌گشتند و فقرِ اِلَى اللهُ و تصفیة باطن پیشه می‌ساختند، چون غزالی، مولوی، فیض کاشانی، شیخ بهایی، ملاصدرا، حاج ملاهادی سبزواری و سلطان علیشاه گنابادی. از همین رو بود که آیت‌الله سیدروح‌الله موسوی خمینی در کتاب *آداب‌الصلوة* خود می‌نویسد:

«بالاترین قذارات^۱ معنوی که تطهیر آن را با هفت دریا نتوان نمود و انبیا عظام

علیهم السّلام را عاجز نمود، فذارات جهل مرگب است که منشأ انکار مقامات اهل الله و ارباب معرفت است و مبدأ سوءظن به اصحاب قلوب است. و تا انسان به لوث این فذارات آلوده است، قدمی به سوی معارف نخواهد برداشت؛ بلکه بسا باشد که این کدورت، نور فطرت را، که چراغ راه هدایت است خاموش کند و آتش عشق را که براق عروج به مقامات است فرونشاند و منتفی کند و انسان را در ارض طبیعت مخلد نماید.^۱

علمای اهل عرفان

من پرسیدم: از حکما و علما در فقه و اصول و غیره کسان دیگری هم بوده اند که به حقانیت تصوّف اعتراف کرده باشند؟

آقای شریعت: علمایی که خود اهل عرفان بودند و به عرفا ارج می نهادند عبارتند از: محقق طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی، بابا افضل کاشانی، سید احمد نراقی، ابن میثم بحرانی، محمدبن ابی جمهور احسائی مؤلف مجلی، شیخ رجب برُسی مؤلف مشارق الانوار، سیدحیدر آملی، شیخ حسین و میرمحمدباقر داماد، صدرالدین شیرازی، مولانا شمسایلی، مولانا محمدتقی مجلسی، مولانا محمدصالح مازندرانی، مولانا محسن کاشانی، مولانا رجبعلی تبریزی، قاضی سعید قمی، مولانا محمدصادق اردستانی، مولانا عبدالرزاق لاهیجی مؤلف شوارق و گوهر مراد، مولانا محقق میرزا حسن، مولانا مقیم طالقانی، مولانا عبدالرحیم دماوندی، میرزا ابوالقاسم میرفندرسکی، مولانا محمدباقر سبزواری، سید نعمت الله شوشتری و پسرزاده ایشان امیرعبدالله... که همه از معترفین به جلالت و قدر اکثر عرفا و صوفیه بودند و نیز میرزا علم الهدی، مولانا محسن و آقاهادی شارح مفاتیح، شیخ حسن تنکابنی، ملا شمسایلی کشمیری، میرمحمدعلی قمی، سید ابراهیم قمی، مولانا آقامحمد بیدآبادی، میرزا محمدعلی میر مظفر اصفهانی، مولانا بحرانی جیلانی، مولانا محمدسعید نراقی، مولانا میر صدرالدین دزفولی، سید بحر العلوم، علامه طباطبائی، مرحوم مطهری و... اینان عمق دیدگاه عارفان و صوفیان حقّه را قبول کرده اند و هم اکنون نیز حکما و علمای دانشمند و عارف مشرب و غیرمغرض چون حسن زاده آملی، جوادی آملی، مرحوم

۱- آداب الصلوة، ص ۵۸؛ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.

جلال‌الدین آشتیانی و غیره مقام شامخ عرفا را ستوده‌اند.
گفتم: معلوم است این بزرگان حقیقت را بر منافع فردی ترجیح داده‌اند، اما مسأله فراتر از آن است که آقایان نوری همدانی و فاضل لنکرانی و مصباح یزدی و مکارم شیرازی و صافی گلپایگانی و امثالهم را جای سخنی باشد. امروزه تمام دنیا به عظمت تفکر صوفیانه و نقش محوری آنان در تاریخ بشر به‌عنوان انسان‌مداری، کرامت‌انسان، صلح‌جویی، محبت جهانی و اخلاق بشری پی برده‌اند و سالیانه صدها همایش جهانی برپا می‌شود. این حرکت جهانی عرفانی بناهای فرسوده ظاهرگرایی دینی را خراب می‌کند و به‌جایش کاخ دین‌باوری عرفانی و معنویت و برادری جهانی را برپا می‌دارد، هم اکنون در تمام محافل دانشگاهی و فرهنگی جهان و ایران سخن از عطار و مولانا و ابن عربی و حافظ و سعدی و غیره است. در خانه هر ایرانی حافظ و مثنوی است. آن آقایان می‌خواهند روی خورشید را گل‌اندود کنند، اما نمی‌دانند:

آفتاب آمد دلیل آفتاب

گر دلیلت باید از وی رو متاب^۱

مه فشاند نور و سگ و ع وَع کند

سگ ز نور ماه کی مرتع کند؟^۲

آقای شریعت: درست است که آقایان روی غرض یا جهل یا حسادت سخنی گفتند، اما آقایان دولت‌مردان دست‌نشانده و بی‌شخصیت نیز برای دو روز دنیا و مقام و منصبی که هرگز پایدار نیست چه جنایت‌ها کردند که روی شمر و حجاج‌بن یوسف را سفید کردند.

گفتم: آنها چه کارهای خلاف قانون و وظیفه انجام داده‌اند که برای خود ننگ ابدی خریدند و صفحه سیاه تاریخ را به‌خود اختصاص دادند و به اسلام و ملت ایران خیانت بزرگ نمودند؟

آقای شریعت: به گزارش «کمیته تحقیق شورای امنیت کشور»، تصویب‌نامه‌های اداری بر اساس آن و «دستور وزارت اطلاعات به وزارت آموزش و پرورش ...» توجه کن تا دسیسه‌ها، غیبت‌ها، تهمت‌ها و جنایات آنان بر تو روشن شود.

۱- مثنوی، دفتر اول، ب ۱۱۶.

۲- همان، دفتر ششم، ب ۲۰۹۴.

ارائه مدارک و انگیزه‌های عاملین فاجعه خونین قم و بررسی علل آن

گزارش کمیته تحقیق شورای امنیت کشور
فتوای یک مرجع تقلید علیه دراویش

مرتضی صادقی، ۱۶ اسفند ۱۳۸۴

اختصاصی روز - نتایج تحقیقات کمیته تحقیق شورای امنیت کشور نشان می‌دهد درگیری‌های چند هفته‌ای که منجر به تخریب حسینیه شریعت در شهر قم شد، به لحاظ زمانی از جلسه درس آیت‌الله مکارم شیرازی از مراجع تقلید ساکن قم آغاز شده است.

بنا به این گزارش، این مرجع در یکی از جلسات درس خارج فقه خود بحثی را درباره گسترش فعالیت‌های درویشان و آسان شدن برگزاری جلسات و جذب هوادار توسط این گروه مطرح می‌کند و در نهایت فتوا به «نجس بودن دراویش» می‌دهد و از لزوم «پاکسازی» شهر قم از وجود افراد معتقد به مرام و مسلک این گروه سخن می‌گوید.

به دنبال این فتوا اعضای هیأت «فاطمیون» قم که خود نیز از پیش انگیزه‌های کافی را برای برخورد با دراویش داشته‌اند، تصمیم به اخراج قدیمی‌ترین و شناخته شده‌ترین دراویش شهر قم که دراویش نعمت‌اللهی هوادار آقای شریعت بوده‌اند می‌گیرند. اعضای این هیأت برای عملی ساختن این «پاکسازی»، در روز عید غدیر با شکستن پلمب حسینیه شریعت قم وارد این محل شده و به برگزاری مراسم می‌پردازند و با این عمل غیرقانونی جرقه آغاز کشمکش‌های منتهی به تخریب این مکان مذهبی را می‌زنند.

سلسله مصوبات و مکاتبات شورای تأمین استان قم از تصرف تا تخریب حسینیه شریعت

جلسه شورای تأمین استان قم ۲۳ تیر ۱۳۸۴

شماره: ۲۳۶/م/۲/۳/۱۲۲۵

تاریخ: ۸۱/۴/۲۴

محرمانه

بسمه تعالی

گیرندگان محترم:

سلام علیکم

احتراماً مصوبه شورای تأمین استان مورخه ۸۱/۴/۲۴ به شرح ذیل جهت استحضار و اقدام لازم ارسال می گردد.

۱- با توجه به اقدامات فرقه در ارایش گنابادی در خصوص متمرکز نمودن فعالیت طرفداران این فرقه در کوچه شریعت واقع در جنب کتابخانه مرحوم آیت ا... مرعشی نجفی و با عنایت به حساسیت مراجع محترم نسبت به فعالیت این فرقه مصوب گردید، چنانچه این فرقه از محل مسکونی که اخیراً مجوز احداث دریافت نموده اند استفاده آموزشی و تقویتی در جهت ترویج افکار و عقاید ضاله نماید از طریق اداره کل اطلاعات و مقامات ذیربط نسبت به کنترل و پلمپ نمودن آن اقدام گردد.

حکیمی

رئیس دبیرخانه شورای تأمین استان

رونوشت:

- ۱- آقای مهندس سعادت استاندار محترم جهت استحضار
- ۲- جناب آقای مهندس حقیقی معاون محترم سیاسی امنیتی جهت استحضار
- ۳- حجة الاسلام نوروزی مدیر کل اطلاعات عضو شورای تأمین استان
- ۴- حجة الاسلام طالبی رئیس کل دادگستری عضو شورای تأمین استان
- ۵- شریفی رئیس دبیرخانه شورای تأمین استان

- ۶- سردار قریشی فرمانده محترم منطقه بسیج سپاه قم عضو شورای تأمین استان
- ۷- سردار عراقی فرمانده محترم لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب عضو شورای تأمین استان
- ۸- سردار طاهری فرمانده محترم انتظامی عضو شورای تأمین استان
- ۹- آقای حسن زاده مدیر کل محترم سیاسی انتظامی
- ۱۰- دبیرخانه شورای تأمین

جلسه شورای تأمین استان قم ۴ دی ۱۳۸۴

شماره: ۲۳۶/م/۲/۳/۳۱۱۳

تاریخ: ۸۴/۱۰/۴

محرمانه آنی

بسمه تعالی

گیرندگان محترم:

سلام علیکم:

احتراماً مصوبات بیست و دومین جلسه شورای تأمین استان مورخه ۸۴/۱۰/۳ به شرح ذیل جهت استحضار و بهره برداری ارسال می‌گردد.
مصوبات:

- ۱- در خصوص نحوه استفاده از خانقاه در ارایش گنابادی مقرر گردید که مدیریت آن از طریق اداره کل اطلاعات تعیین و بر نحوه فعالیت اداره کنندگان آن از سوی اداره کل، نظارت کامل صورت گیرد.
- ۲- تا ۶ ارتباطی به در ارایش ندارد ...

شریفی

رئیس دبیرخانه شورای تأمین استان قم

رونوشت:

- ۱- مهندس محتاج استاندار و رئیس محترم شورای تأمین استان
- ۲- حاجی زاده دبیر شورای تأمین استان

- ۳- حجة الاسلام خطیب مدیر کل اطلاعات عضو شورای تأمین استان
- ۴- حجة الاسلام طالبی رئیس کل دادگستری عضو شورای تأمین استان
- ۵- شریفی رئیس دبیرخانه شورای تأمین استان
- ۶- حجة الاسلام باقریان رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح عضو شورای تأمین استان
- ۷- حجة الاسلام نعمت اللهی دادستان عضو شورای تأمین استان
- ۸- حجة الاسلام فصیحی فرمانده محترم منطقه بسیج سپاه قم عضو شورای تأمین استان
- ۹- سرتیپ ۲ پاسدار مهدوی نژاد فرمانده محترم لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب عضو شورای تأمین استان
- ۱۰- سرتیپ ۲ پاسدار طاهری فرمانده محترم انتظامی عضو شورای تأمین استان
- ۱۱- حجة الاسلام ذوالنور فرمانده محترم تیپ مستقل ۸۳ روحانیون رزمی تبلیغی امام صادق (ع)
- ۱۲- آقای قمی فرماندار محترم قم
- ۱۳- آقای حکیمی مدیر کل محترم سیاسی انتظامی
- ۱۴- دبیر خانه شورای تأمین

جلسه شورای تأمین استان قم ۱ بهمن ۱۳۸۴

شماره: ۲۳۶/م/۲/۳/۳۳۶

تاریخ: ۸۴/۱۱/۲

محرمانه آنی

بسمه تعالی

اعضای محترم شورای تأمین استان:

سلام علیکم:

احتراماً مصوبات بیست و چهارمین جلسه شورای تأمین استان مورخه ۸۴/۱۱/۱

به شرح ذیل جهت استحضار و بهره برداری ارسال می گردد.

مصوبات:

۱. تا ۶ ارتباطی به موضوع در اویش ندارد.
۷. با توجه به اجرای مناسب و توأم با تدبیر مصوبه شورای تأمین مورخ ۸۴/۱۰/۳ در خصوص حسینیه امیرالمومنین (شریعت) اعضاء مراتب تقدیر و تشکر خود را از مدیرکل محترم اطلاعات و همکاران وی و سایر نیروهایی که در این زمینه همکاری نمودند اعلام کردند. ۱۱/۱/د

شریفی

رئیس دبیرخانه شورای تأمین استان قم

رونوشت:

۱. مهندس محتاج استاندار و رئیس محترم شورای تأمین استان
۲. حاجی زاده دبیر شورای تأمین استان
۳. حجة الاسلام خطیب مدیر کل اطلاعات عضو شورای تأمین استان
۴. حجة الاسلام طالبی رئیس کل دادگستری عضو شورای تأمین استان
۵. شریفی رئیس دبیرخانه شورای تأمین استان
۶. حجة الاسلام باقریان رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح عضو شورای تأمین استان
۷. حجة الاسلام نعمت اللهی دادستان عضو شورای تأمین استان
۸. حجة الاسلام فصیحی فرمانده محترم منطقه بسیج سپاه قم عضو شورای تأمین استان
۹. سرتیپ ۲ پاسدار مهدوی نژاد فرمانده محترم لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب عضو شورای تأمین استان
۱۰. سرتیپ ۲ پاسدار طاهری فرمانده محترم انتظامی عضو شورای تأمین استان
۱۱. حجة الاسلام ذوالنور فرمانده محترم تیپ مستقل ۸۳ روحانیون رزمی تبلیغی امام صادق (ع)
۱۲. آقای قمی فرماندار محترم قم
۱۳. آقای حکیمی مدیر کل محترم سیاسی انتظامی
۱۴. دبیرخانه شورای تأمین

جلسه شورای تأمین استان قم ۸ بهمن ۱۳۸۴

شماره: ۲۳۶/م/۲/۳/

تاریخ: ۸۴/۱۱/۸

محرمانه آنی

بسمه تعالی

اعضای محترم شورای تأمین استان:

سلام علیکم:

احتراماً مصوبات بیست و ششمین جلسه شورای تأمین استان مورخه ۸۴/۱۱/۸ که بصورت فوق العاده تشکیل گردید به شرح ذیل جهت استحضار و بهره برداری ارسال می گردد.

مصوبات:

۱- پس از بررسی و تبادل نظر مفصل در مورد حسینیه امیرالمؤمنین (شریعت) و برای رفع تصرف عدوانی آن از دست متصرفین مقرر گردید:

الف: فرمانده انتظامی استان تا ساعت ۱۴ روز یکشنبه مورخ ۸۴/۱۱/۹ نسبت به تهیه طرح جامع عملیاتی رفع تصرف از حسینیه اقدام و برای طرح در کمیسیون سیاسی امنیتی به استانداری ارسال نماید.

ب: طرح تهیه شده از سوی فرمانده انتظامی استان در جلسه کمیسیون سیاسی و امنیتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و بعد از تصویب که مورد تأیید اعضای شورای تأمین خواهد بود با امضاء دبیر محترم شورای تأمین برای اجرا به دستگاههای ذیربط ابلاغ خواهد شد.

ج: حضور معاونین عملیات نیروی نظامی، انتظامی در جلسه کمیسیون ضروری می باشد.

۲- ارتباطی به موضوع در ایش ندارد ...

شریفی

رئیس دبیرخانه شورای تأمین استان قم

رونوشت:

۱- مهندس محتاج استاندار و رئیس محترم شورای تأمین استان

- ۲ - حاجی زاده دبیر شورای تأمین استان
- ۳ - حجة الاسلام خطیب مدیر کل اطلاعات عضو شورای تأمین استان
- ۴ - حجة الاسلام طالبی رئیس کل دادگستری عضو شورای تأمین استان
- ۵ - شریفی رئیس دبیرخانه شورای تأمین استان
- ۶ - حجة الاسلام باقریان رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح عضو شورای تأمین استان
- ۷ - حجة الاسلام نعمت‌اللهی دادستان عضو شورای تأمین استان
- ۸ - حجة الاسلام فصیحی فرمانده محترم منطقه بسیج سپاه قم عضو شورای تأمین استان
- ۹ - سرتیپ ۲ پاسدار مهدوی نژاد فرمانده محترم لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب عضو شورای تأمین استان
- ۱۰ - سرتیپ ۲ پاسدار طاهری فرمانده محترم انتظامی عضو شورای تأمین استان
- ۱۱ - حجة الاسلام ذوالنور فرمانده محترم تیپ مستقل ۸۳ روحانیون رزمی تبلیغی امام صادق (ع)
- ۱۲ - آقای قمی فرماندار محترم قم
- ۱۳ - آقای حکیمی مدیر کل محترم سیاسی انتظامی
- ۱۴ - دبیرخانه شورای تأمین

نامه دبیر شورای تأمین استان قم به فرمانده نیروی انتظامی قم

۱۸ بهمن ۱۳۸۴

۲۵۴۷/۲/۲۳۶

۸۴/۱۱/۱۸

محرمانه - آنی

بسمه تعالی

جناب آقای سردار طاهری

فرمانده محترم نیروی انتظامی استان

سلام علیکم

برابر اطلاع واصله عناصر فرقه گنابادی بدنبال اطلاعیه اخیر قطب فرقه و با هدف تشدید حمایت‌ها پیرامون حوادث اخیر فرقه در قم در صدد تقویت حضور و تجمع عناصر وابسته در حسینیه امیر المؤمنین (ع) و برخی گزارشها از احتمال حضور عناصر فرقه در هیأت مذهبی و یا راه اندازی هیأت مستقل در ارایش در قم حکایت دارد.

با توجه به فرا رسیدن تاسوعا و عاشورای حسینی . پیش رو بودن نماز جمعه و سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی (۲۲ بهمن) و حساسیتهای مترتب بر این ایام، ضروری است طبق صورتجلسات تنظیمی و توافقات بعمل آمده، تدابیر لازم اتخاذ و به عوامل تحت امر دستور بفرمائید ضمن هوشیاری در صورت وقوع هرگونه تحرک احتمالی اقدامات قانونی را معمول و در اسرع وقت نتیجه را گزارش نمایند.

احمد حاجی زاده

معاون سیاسی امنیتی و دبیر شورای تامین استان

رونوشت:

جناب آقای مهندس محتاج استاندار محترم برای استحضار
حجت السلام و المسلمین خطیب مدیر کل محترم اطلاعات بازگشت به نامه
شماره ۰۲۳۳۵/م/۴۷۳۲۴ مورخ ۸۴/۱۱/۱۸ برای آگاهی

سردار مهدوی نژاد و فرمانده لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب (ع) برای آگاهی
حجت السلام و المسلمین نعمت اللهی دادستان محترم عمومی و انقلاب
برای آگاهی

حجت السلام و المسلمین فصیحی فرمانده محترم منطقه مقاومت بسیج برای
آگاهی

فرماندار محترم برای آگاهی

مدیر کل محترم سیاسی انتظامی برای آگاهی

بسمه تعالی

دفتر ثبت و ضمن حفظ سابقه در پوشه شورای تأمین استان تصویر تهیه به نظر جناب
آقای جعفری معاون محترم دادستان و قنبرنیا دادیار محترم ویژه پرونده برسد.

۸۴/۱۱/۱۸ - ۵۷۵

دادستان قم نعمت اللهی

جلسه شورای تأمین استان قم ۲۴ بهمن ۱۳۸۴

شماره: ۲۳۶/م/۲/۳/۳۵۷۶

تاریخ: ۸۴/۱۱/۲۴

محرمانه آنی

بسمه تعالی

اعضای محترم شورای تأمین استان:

سلام علیکم:

احتراماً مصوبات بیست و هفتمین جلسه شورای تأمین استان مورخه ۸۴/۱۱/۲۴ به شرح ذیل جهت استحضار و بهره برداری ارسال می‌گردد.

مصوبات:

- ۱ - با توجه به مزاحمت‌های انجام شده از سوی تعدادی از دروایش در خیابان ارم و کوچه‌های اطراف حسینیه و پیگیری‌های مستمر مردم برای رفع این مزاحمت اعضای شورای تأمین موافقت خود با برخورد مدیرانه با آنها را اعلام نمود.
- ۲ - نیروی انتظامی با همکاری پرسنل اداره کل اطلاعات استان نسبت به تشدید و کنترل ورودی‌های استان اقدام و از ورود دروایش به داخل شهر شدیداً جلوگیری نمایند.
- ۳ - در اسرع وقت نسبت به پاکسازی خیابان ارم از دروایش توسط فرمانده انتظامی اقدام شود.
- ۴ - مراکز بیتوته دروایش در قم از سوی اداره کل اطلاعات و فرماندهی انتظامی شناسائی مورد کنترل قرار گیرد.
- ۴/۱ - نسبت به ایجاد محدودیت برای نیروهای دروایش مستقر در حسینیه به مرور زمان از سوی دستگاه‌های خدمات رسان اقدام شود.
- ۵ - فرماندهی عملیات پاکسازی بر عهده سردار طاهری فرماندهی انتظامی استان خواهد بود و برای حمایت و همکاری نمایندگان دادستانی، فرمانده منطقه مقاومت سپاه قم، لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب، اداره کل اطلاعات و استانداری در قرارگاه پشتیبانی حضور خواهند داشت.
- ۶ - فرماندهی محترم انتظامی استان مجاز خواهد بود با توجه به شرایط خود

تصمیم لازم را اتخاذ و عمل نمایند. د/۱۱/۲۴

شریفی

رئیس دبیر خانه شورای تأمین استان قم

رونوشت:

- ۱ - مهندس محتاج استاندار و رئیس محترم شورای تأمین استان
- ۲ - حاجی زاده دبیر شورای تأمین استان
- ۳ - حجة الاسلام خطیب مدیر کل اطلاعات عضو شورای تأمین استان
- ۴ - حجة الاسلام طالبی رئیس کل دادگستری عضو شورای تأمین استان
- ۵ - شریفی رئیس دبیر خانه شورای تأمین استان
- ۶ - حجة الاسلام باقریان رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح عضو شورای تأمین استان
- ۷ - حجة الاسلام نعمت اللهی دادستان عضو شورای تأمین استان
- ۸ - حجة الاسلام فصیحی فرمانده محترم منطقه بسیج سپاه قم عضو شورای تأمین استان
- ۹ - سرتیپ ۲ پاسدار مهدوی نژاد فرمانده محترم لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب عضو شورای تأمین استان
- ۱۰ - سرتیپ ۲ پاسدار طاهری فرمانده محترم انتظامی عضو شورای تأمین استان
- ۱۱ - حجة الاسلام ذوالنور فرمانده محترم تیپ مستقل ۸۳ روحانیون رزمی تبلیغی امام صادق (ع)
- ۱۲ - آقای قمی فرماندار محترم قم
- ۱۳ - آقای حکیمی مدیر کل محترم سیاسی انتظامی
- ۱۴ - دبیر خانه شورای تأمین

جلسه شورای تأمین استان قم ۲ اسفند ۱۳۸۴

شماره: ۲۳۶/۴/م/۲/۳/۲۳۲۸

تاریخ: ۸۴/۱۲/۲۱

محرمانه آنی

بسمه تعالی

گیرندگان محترم:

سلام علیکم

احتراماً مصوبات بیست و نهمین جلسه شورای تأمین استان مورخه ۸۴/۱۲/۲ به شرح ذیل جهت استحضار و بهره برداری ارسال می‌گردد.

مصوبات:

۱ و ۲ و ۳ ارتباطی به موضوع در اویش ندارد.

۴ - کمیسیون سیاسی امنیتی موظف شد در ارتباط با قضیه فتنه در اویش اقدامات زیر را انجام دهد:

۴/۱ - کارهای فوتی و فوری برای عقیم نمودن برنامه‌های احتمالی این فرقه و احصاء آن و اتخاذ تصمیم مناسب.

۴/۲ - حوادث قبل از عملیات از سوی کمیسیون مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

۴/۳ - حوادث روز عملیات از حیث نقاط قوت و ضعف، نحوه همکاری دستگاهها و مشکلات ایجاد شده در پشتیبانی مورد بررسی قرار گیرد.

۴/۴ - احتمالاً این موضوع یک دنباله خواهد داشت و دستگاههای ذیربط باید هوشیاری لازم را مبذول دارند.

۵ - ارتباطی به در اویش ندارد.

۶ - ارتباطی به در اویش ندارد.

شریفی

رئیس دبیر خانه شورای تأمین استان قم

رونوشت:

۱ - مهندس محتاج استاندار و رئیس محترم شورای تأمین استان

۲ - حاجی زاده دبیر شورای تأمین استان

۳ - حجة الاسلام خطیب مدیر کل اطلاعات عضو شورای تأمین استان

۴ - حجة الاسلام طالبی رئیس کل دادگستری عضو شورای تأمین استان

۵ - شریفی رئیس دبیر خانه شورای تأمین استان

۶ - حجة الاسلام باقریان رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح عضو شورای

تأمین استان

- ۷ - حجة الاسلام نعمت اللهی دادستان عضو شورای تأمین استان
- ۸ - حجة الاسلام فصیحی فرمانده محترم منطقه بسیج سپاه قم عضو شورای تأمین استان
- ۹ - سرتیپ ۲ پاسدار مهدوی نژاد فرمانده محترم لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب عضو شورای تأمین استان
- ۱۰ - سرتیپ ۲ پاسدار طاهری فرمانده محترم انتظامی عضو شورای تأمین استان
- ۱۱ - حجة الاسلام ذوالنور فرمانده محترم تیپ مستقل ۸۳ روحانیون رزمی تبلیغی امام صادق (ع)
- ۱۲ - آقای قمی فرماندار محترم قم
- ۱۳ - آقای حکیمی مدیر کل محترم سیاسی انتظامی
- ۱۴ - دبیرخانه شورای تأمین

جلسه فوق العاده شورای تأمین استان قم ۲۱ اسفند ۱۳۸۴

شماره: ۸۴/۱۲/۲/م/۲/۳/۴۰۰۳

تاریخ: ۸۴/۱۲/۲۱

محرمانه آنی

بسمه تعالی

گیرندگان محترم:

سلام علیکم:

احتراماً مصوبات سیمین جلسه شورای تأمین استان مورخه ۸۴/۱۲/۲۱ به

شرح ذیل جهت استحضار و بهره برداری ارسال می گردد.

مصوبات:

- ۱ - باهدف وحدت رویه بین دستگاههای زیربط در خصوص غائله در اوبیش در شهر قم مقرر گردید کمیته‌ای به عضویت نمایندگان دادستان عمومی و انقلاب، اداره کل اطلاعات، فرماندهی انتظامی استان در حوزه سیاسی امنیتی تشکیل و تا حصول نتیجه موارد ذیل پیگیری شود.
- ۱/۱ - گزارش تهیه شده از سوی هیأت اعزامی شورای امنیت به دقت قرائت و

توضیحات تکمیلی تهیه تا برای شورای امنیت ارسال گردد.

۱/۲ - کلیه گزارشهای درخواستی از مراجع قانونی نظیر حقوق بشر، وزارت کشور، شعبه ۷ ویژه کارکنان دولت ... مطالعه و جوابیه تهیه و برای آنان ارسال شود.

۱/۳ - چنانچه دستگاههای اجرایی، انتظامی، نظامی و ... در جریان این غائله متحمل خساراتی شده‌اند و در صدد شکایت از درویش باشند از طریق این کمیته پیگیری شوند.

۱/۴ - سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در ارتباط با نحوه اطلاع رسانی پیرامون این غائله توسط این کمیته انجام خواهد شد.

۲ - در مورد ورود غیرقانونی دیپلماتها و اتباع خارجی

۳ - در خصوص چهارشنبه آخر سال (چهارشنبه سوری ...)

۴ - در خصوص طرح تامین امنیت حرم حضرت معصومه و مسجد جمکران ...

شریفی

رئیس دبیرخانه شورای تأمین استان قم

رونوشت:

۱ - مهندس محتاج استاندار و رئیس محترم شورای تأمین استان

۲ - حاجی زاده دبیر شورای تأمین استان

۳ - حجة الاسلام خطیب مدیر کل اطلاعات عضو شورای تأمین استان

۴ - حجة الاسلام طالبی رئیس کل دادگستری عضو شورای تأمین استان

۵ - شریفی رئیس دبیرخانه شورای تأمین استان

۶ - حجة الاسلام باقریان رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح عضو شورای

تأمین استان

۷ - حجة الاسلام نعمت اللهی دادستان عضو شورای تأمین استان

۸ - حجة الاسلام فصیحی فرمانده محترم منطقه بسیج سپاه قم عضو شورای

تأمین استان

۹ - سرتیپ ۲ پاسدار مهدوی نژاد فرمانده محترم لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب

عضو شورای تأمین استان

۱۰ - سرتیپ ۲ پاسدار طاهری فرمانده محترم انتظامی عضو شورای تأمین استان

۱۱ - حجة الاسلام ذوالنور فرمانده محترم تیپ مستقل ۸۳ روحانیون رزمی

- تبلیغی امام صادق (ع)
 ۱۲- آقای قمی فرماندار محترم قم
 ۱۳- آقای حکیمی مدیر کل محترم سیاسی انتظامی
 ۱۴- دبیر خانه شورای تأمین

نامه معاون امنیتی دادستان قم ۲۹ بهمن ۱۳۸۴
 «خلاصه وضعیت حسینییه (خانقاه) شریعت و دراویش گنابادی»
 ۸۴/۱۱/۲۹

موضوع: تجمع غیرقانونی و فتنه انگیزی و درگیری دراویش منحرف فرقه
 نعمت اللهی گنابادی در قم

مقدمه: طبق اطلاعات به دست آمده دراویش فرقه نعمت اللهی در قم به رهبری فردی به نام سید احمد شریعت فردی ۸۰ ساله و بی سواد و فردی عادی بوده که در زمان طاغوت زمانی که تولیت حضرت معصومه به نام اقبال بوده، نامبرده به عنوان خادم حرم فعالیت می کرد و وارد این فرقه شد و حدود ۴۰ سال در این فرقه بوده و در محل خانقاه خود واقع در خیابان ارم به یکسری آئین و برنامه های خاص از جمله ذکر و ملاقات و دست بوسی بزرگان این فرقه مشغول و جلساتی در خانقاه خود داشته و فعالیتهای غیرقانونی آنها مربوط به افراد کمی بوده که به مرور زمان افراد این فرقه به وسیله شیوخ در سطح کشور گسترش یافته و افرادی جذب این فرقه شدند که اغلب از استانهای گلستان، اصفهان، خوزستان، تهران، لرستان و شاهرود و شهرهای کرج و کاشان و ... بودند و از نشانه این فرقه داشتن سیبلیهای زیاد و پریشت و بدون هیچ مبنایی و به صورت سنتی در آنها باب شده و بعداً مشکلات اخلاقی با نوامیس مردم در این فرقه به وجود آمده و با توجه به این که سالیان مدیدی در شهر مقدس قم به فعالیت مشغول بودند و تجمع می کردند و کاری به آنها نداشتند. چون کار سیاسی و امنیتی نمی کردند و مانند آنها فرقه های دیگری در سطح کشور هستند و به مرور زمان از رهبران این فرقه از طریق کشورهای

آلمان و آمریکا و انگلیس سپورت مالی و فرهنگی شده و حتی سخنگویی در آمریکا به نام دکتر مصطفی آزمایش با این فرقه همکاری دارند و در ترویج افکار این فرقه نقش بسزایی داشته و به جوسازی نسبت به مسئولان کشور بالاخص استان قم مشغول است و حتی مراجع عظام و شخصیت‌های حوزوی به عناوین و انحای مختلف نسبت به فعالیت فرق تصوف در استان هشدار داده و خواستار مبارزه دستگاه‌های ذیربط با انحراف و بدعت‌های صوفیه شده‌اند و مردم هم به نوعی از فعالیت این فرق در قم اظهار ناراحتی کردند و از مسئولین استانی تقاضای برخورد و فیصله دادن قضیه فرقه در قم را خواستار شدند.

علت و عوامل شکل‌گیری غائله در اویش گنابادی در قم:

«...در خصوص نحوه ساخت حسینیه و رای کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری و رای اداره تحقیق اوقاف و احکام صادره از شعبه چهارم و اول دادگاه تجدید نظر توضیح داده شده است....»

شعبه اول دادگاه تجدید نظر رای را تأیید می‌کند.... و از طرفی هم مالک ساختمان وقف اداره اوقاف بود و می‌بایست در اختیار این اداره باشد در نتیجه نماینده اداره مذکور برای تحویل گرفتن ملک موقوفه در محل حاضر که تعدادی از افراد این فرقه که در خانقاه مستقر بودند جلوگیری کردند و حتی آنها در همین راستا زنهایی در این مکان مستقر کرده بودند که می‌گفتند اگر خونمان هم ریخته شود ما اینجا را ترک نمی‌کنیم و این خانمها از ورود نمایندگان اداره اوقاف ممانعت می‌کردند و اداره اوقاف موضوع را در شورای تأمین استان مطرح نموده و در همین راستا دو ماه قبل از وقوع این غائله نماینده استانداری و نیروی انتظامی در حضور نماینده این فرقه ملک را تحویل نماینده اوقاف دادند که پس از تحویل در شب عید غدیر هیأت فاطمیون مکان مذکور را تجهیز و تزئین نموده و مراسم با شکوهی به مناسبت عید غدیر برگزار کردند.... همزمان حدود ۲۰۰ نفر از افراد این فرقه در خانقاه بودند و درگیری ایجاد نشد و قرار شد کلید حسینیه را به اداره اوقاف بدهند ولی شبانه افراد مستقر در خانقاه به حسینیه حمله می‌کنند و درب آن را می‌شکنند و دیواری که بین خانقاه کشیده‌اند را تخریب می‌کنند به نحوی که اثری از آن نبود و درب آلومینیومی حسینیه را می‌شکنند و وارد حسینیه می‌شوند و نمایندگان اداره اوقاف را بیرون می‌کنند و اعلان کردند به هیچ عنوان اجازه نمی‌دهیم که هیچ حکمی

در مورد حسینیة اجرا گردد. لازم به ذکر است در مراسم عید غدیر با بیان پاره‌ای از مطالب از جمله غصب تلقی کردن اقدام انجام شده و انتقاد از واگذاری خانقاه و تحریک احساسات در اویس پرداخته و زمینه را برای خرابکاری مهیا ساخته بود و ملک را به تصرف خودشان درآوردند. و در همین حین افراد این فرقه از استانهای دیگر فراخوان می‌شوند این افراد از بقایای دیوار خراب شده که از آجر و بلوک بوده آنها را خورد کرده و بالای پشت بامها آماده می‌کنند و تعداد حدود ۱۵۰۰ نفر در محل حاضر می‌شوند و کل ساختمان حسینیة و خانقاه مملو از تجمع این افراد شده و در خیابانها هم مستقر شده و مزاحمت برای کسبه‌ها و اهالی درست می‌کنند و شب در خیابان ارم و کوچه افراد خانقاه می‌خوابند با توجه به موارد به وجود آمده اداره اوقاف شکایت تصرف عدوانی نسبت به ملک را مطرح مینماید....

«... خلاصه مطالب این قسمت راجع به شکایت اداره اوقاف، و تعهدات اخذ شده در خصوص تخلیه حسینیة از آقای هرسینی و آقای شریعت است. نکات قابل توجه در این قسمت از گزارش در ذیل ذکر میشود....»

آنها ابلاغ کلانتری را تحویل نگرفتند.... مسئولین استان با هماهنگی قبلی وارد عمل شدند ولی آنها درگیری را ابتدا با نیروی انتظامی و مردم شروع کردند که این صحنه برای مردم قم قابل تحمل نبود و درگیری دوطرف شروع گردید که بلافاصله نیروی انتظامی و کمک نیروی مردمی افراد تجمع کننده و ضارب دستگیر شدند. و این توطئه خاموش گردید و اغلب رهبران این فرقه دستگیر و حدود ۱۰۰۰ نفر دستگیر و از این بین زخمی از هر دو طرف حدود ۴۰۰ نفر بود که خوشبختانه فوتی نداشته و افرادی که به طور سطحی زخمی شدند حدود ۲۰۰ نفر سرپائی مداوا شدند که فقط دو نفر شکستگی جمجمه و ران پا داشته حدود ۳۰۰ نفر زن در این خانقاه با افراد بودند.... و ۹۰۰ نفر مرد که با انگشت نگاری و عکس از آنها آزاد شدند... در پایان با صلاحدید مسئولین استان و هماهنگی به عمل آمده خانقاه قدیم و ساختمان جدید تخریب گردید.

ملاحظات:

۱) شکل گیری رسمی خانقاه فرقه منحرف در اویس نعمت اللہی گنابادی در قم از نظر مراجع عظام و مردم و مسئولین استان هدفمند بوده و تجمع و فراخوان شدن افراد این فرقه و آماده سازی جهت درگیری و اخلال در نظم عمومی محرز